http://dorl.net/dor/20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6
تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۴/۳۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۴/۲۸
صفحه ۱۸-۵

نوع مقاله: پژوهشی

تأثیرفعالیت شرکت زیگلر[1] بر تحول جایگاه زنان قالی‌باف منطقه‌ی سلطان‌آباد (۱۳۹۷)*

سمیه صالحی
مربی و عضو هیئت علمی گروه فرش دانشگاه اراک
حجت‌اله رشادی (نویسنده‌ی مسئول)
مربی و عضو هیئت علمی گروه فرش دانشگاه اراک
H-Reshadi@araku.ac.ir
حسین نوروزی قره‌قشلاق
مربی و عضو هیئت علمی گروه صنایع دستی دانشگاه اراک

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان ۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

چکیده

سلطان‌آباد نام یکی از مناطق مشهور قالی‌بافی ایران است که بعدها به اراک تغییر نام یافت و در گذشته فرش‌هایی به سبک روستایی در این منطقه تولید می‌شده است. در دوره‌ی قاجار با فراهم آمدن زمینه‌ی فعالیت شرکت‌های چندملیتی مانند زیگلر در این منطقه، سلطان‌آباد به یکی از قطب‌های تولید و صادرات فرش ایران تبدیل شد. این روند موجب تغییر سبک قالی این منطقه از روستایی به شهری شد و شیوه‌ی تولید از تولید برای خود (خودفرمایی) به تولید طبق سفارش (کارفرمایی)تغییر پیدا کرد. در این میان زنان که وظیفه‌ی بافت این قالی‌ها را به عهده داشتند با رونق بازار فرش منطقه‌ی خود، نقش اقتصادی و اجتماعی جدیدی یافتند.

اما برخلاف رشدی که باتوجه به رونق اقتصادی و اشتغال و درآمدزایی برای قالی‌بافان انتظار می‌رفت، این تحولات، تأثیراتی متفاوت بر قالی‌بافی این منطقه و در نتیجه جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان قالی‌باف سلطان‌آباد برجای گذارد. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی به جستجوی آن تأثیرات پرداخته است نتایج نشان می‌دهد در مسیر گذار از خویش‌بافی (خودفرمایی) به سفارش‌بافی (کارفرمایی)، آزادی و احساس زن قالی‌باف را نسبت به رنگ‌پردازی و نقش‌اندازی قالی خود نادیده گرفته و اختیار وی در خلق و آفرینش قالی از وی سلب شده است می‌توان این گونه بیان کرد که تحولات اجتماعی و اقتصادی این دوره نهایتاً منجر به عدم تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان قالی‌باف این منطقه و تنزل شأن اجتماعی حرفه‌ی قالی‌بافی شده است که کم و بیش تاکنون ادامه دارد.

واژه‌های کلیدی: قالی، سلطان‌آباد، زیگلر، زنان قالی‌باف

1- Ziegler

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان شناسایی و تحلیل شاخصه‌های اصالت قالی سلطان‌آباد بر مبنای بافت، رنگ، طرح و نقشه با حمایت دانشگاه اراک است

The effect of Ziegler Company's activity on the transformation of the status of women carpet weavers in Sultanabad region

Hojat-alah Reshadi (Corresponding Author)
Faculty Member, Department of Carpet, Faculty of Art, Arak University, Arak, Iran
H-Reshadi@araku.ac.ir
Somayeh salehi
Faculty Member, Department of Carpet, Faculty of Art, Arak University, Arak, Iran
Hosein nourozi ghareh gheshlagh
Faculty Member, Department of Crafts, Faculty of Art, Arak University, Arak, Iran

Abstract

Sultan Abad is the name of one of the famous Iranian carpet weavers, which was later renamed Arak, and in the past produced rural-style carpets. In the Qajar period, with the provision of activities of multinational corporations such as Ziegler in this region, Sultan Abad becomes one of the carpet product and export centers of Iran. This process leads to a change in the carpet style of the region from rural to urban and the style of production for its own (self-esteam) changes to the production according to the order (employer). In the meanwhile, the women who have been responsible for the textiles of these rugs, they will have a new economic and social role as the carpet market grows. But contrary to the growth that was expected for carpet weavers due to economic prosperity, employment and, these developments have different effects on carpet weaving in this region and as a result, economic and social status of women carpet weavers in Sultan Abad. This article has sought the effects of it with a descriptive–analytical method. The results show that in the process of transitioning from self-esteam to employer, the freedom and feeling of the female carpet weaver towards painting and embroidering her carpet has been ignored and her authority in creating her carpet has been taken away from her. It can be said that the social and economic developments of this period eventually led to the non-realization of economic and social rights of female carpet weavers in this region and the degradation of the social status of the carpet weaving profession, which more or less continues.

Keywords: Carpet, Sultanabad, Ziegler, Female carpet weaver

This article is an excerpt from the research project "Identification and analysis of the characteristics of the originality of Sultanabad carpet based on texture, color, design and map" which has been done with the support of Arak University.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

بیان مسأله

قالی‌بافی بیشتر از وجه اقتصادی دارای ماهیتی اجتماعی و فرهنگی است که در چارچوب یک نظام فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد و هریک از اشخاص و گروه‌های دخیل در آن دارای انگیزه‌ها و اهداف گوناگونی هستند (آذرپاد، ۱۳۹۱: ۳۰). وقتی از قالی‌بافی سخن به میان می‌آید، معمولاً اولین اجتماعی که به ذهن می‌رسد جامعه‌ی زنان است، زنان ایرانی در مناطق مختلف جغرافیایی و در دوره‌های گوناگون تاریخ ایران، شاهد تحولات اقتصادی و اجتماعی فراوانی بوده‌اند که یکی از این تحولات در دوره‌ی قاجار در شهر تازه تأسیس سلطان‌آباد (اراک کنونی) با فعالیت شرکت چندملیتی زیگلر در زمینه‌ی تولید و صادرات قالی رخ می‌دهد. این تحولات و رونق و گسترش قالی‌بافی در منطقه‌ی سلطان‌آباد می‌تواند بر جامعه‌ی زنان قالی‌باف و جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان تأثیرگذار باشد و واکاوی این تأثیرات همان مسأله‌ای است که این جستار در پی آن است.

در این راستا پرسش اساسی این مقاله این است که تأثیر فعالیت شرکت زیگلر و به تبع آن رونق اقتصادی حاصل از فعالیت آن‌ها در حوزه‌ی فرش، چه تأثیری بر جایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان قالی‌باف این منطقه داشته است؟ برای پاسخگویی به این پرسش لازم است تا در ابتدا با شناخت و آگاهی لازم نسبت به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی سلطان‌آباد در دوره‌ی فعالیت زیگلر و رونق اقتصادی حاصل از این تجارت را مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی تحولات قالی‌بافی منطقه‌ی سلطان‌آباد و چگونگی فعالیت زیگلر و تأثیر آن بر جایگاه زنان قالی‌باف آن منطقه، تاکنون تحقیق ویژه‌ای صورت نپذیرفته و هریک از منابع موجود به طور جداگانه به قالی‌بافی سلطان‌آباد یا به فعالیت شرکت زیگلر و یا به چگونگی اقتصاد دوره‌ی قاجار و یا به تأثیر قالی‌بافی در کارآفرینی زنان و توسعه‌ی روستایی در دوره معاصر پرداخته‌اند. بدین ترتیب در این مقاله سعی شده با گرد هم آوردن مطالب مرتبط در هریک از این پژوهش‌ها و کشف ارتباط داده‌های مختلف آن‌ها، با نگاهی تحلیلی به این موضوع پرداخته شود.

از جمله‌ی این تحقیقات ارزشمند عبارتند از کتاب"غروب زرین فرش ساروق" نوشته‌ی شیرین صوراسرافیل که بیشترمطالب تاریخی و به شکل گزارشی ارائه شده است و فاقد نگاه تحلیلی است (صوراسرافیل، ۱۳۷۲). همچنین پایان‌نامه خانم سحر ایلخان تحت عنوان "تأثیر حضور شرکت زیگلر بر کیفیت (طرح و نقش و رنگ) قالی‌های ایران از دوره‌ی قاجار تا پایان جنگ جهانی دوم" علاوه بر علل شکل‌گیری و نحوه‌ی فعالیت شرکت زیگلر به تأثیرات این شرکت بر طرح و نقش قالی این منطقه نیز پرداخته است (ایلخان، ۱۳۹۳). همچنین مهدی جیریائی طی مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان‌آباد عراق"(جیریایی، ۱۳۹۷) و حسام کشاورز در مقاله‌ی "بررسی مؤلفه‌های مدیریتی تولید فرش با سرمایه‌ی خارجی در دوره‌ی قاجار (آسیب‌شناسی موردی مؤسسه‌ی بازرگانی زیگلر و شرکا)"(کشاورز، ۱۳۹۰)، به زمینه‌های چگونگی ورود شرکت زیگلر به قالی سلطان‌آباد پرداخته و محمدحسین فرمهینی در مقاله‌ی خود در زمینه‌ی "تحول شهرنشینی اراک در دوره‌ی قاجار"(فرمهینی، ۱۳۹۵) به شناخت تحولات جامعه‌ی سلطان‌آباد کمک می‌کند.

روش تحقیق

این مقاله از نوع کیفی بوده و سعی دارد بر اساس داده‌های تاریخی و اسناد کتابخانه‌ای موجود در زمینه‌ی فعالیت شرکت زیگلر و قالی‌بافی سلطان‌آباد به واکاوی و تحلیل تأثیرات این شرکت بر قالی‌بافی و درنتیجه جمعیت قالی‌باف

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

این منطقه که همان زنان بوده‌اند بپردازد. در این راستا، بستر تحولات قالی‌بافی منطقه‌ی سلطان‌آباد و مسائل مربوط به آن با روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. "تحقیقات توصیفی- تحلیلی که محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن می‌پردازد محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره‌ی آن فراهم می‌شود" (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱).

بدین ترتیب این مقاله با بهره‌گیری از راهبرد استدلال منطقی و تکنیک تحلیل محتوا و استنتاج منطقی سعی دارد تا ابتدا با مداقه در وضعیت قالی‌بافی سلطان‌آباد در دوره‌ی قاجار و چگونگی ورود شرکت زیگلر به منطقه و مهیا شدن بستر فعالیت آن در حوزه‌ی قالی‌بافی به تأثیرات آن بر قالی این منطقه بپردازد و سپس از طریق تحلیل این تغییر و تحولات، چگونگی تحول نقش اقتصادی و اجتماعی زنان قالی‌باف این منطقه را بررسی نماید. همچنین از تاکتیک‌های مطالعه و مشاهده‌ی اسنادی با استناد به مطالب مندرج در کتب، مقالات و اسناد معتبر به عنوان ابزارهای تحقیق استفاده شده است.

چگونگی ورود شرکت‌های چندملیتی به قالی سلطان‌آباد در دوره‌ی قاجار

سلطان‌آباد نام قبلی شهر اراک است، این شهر در دوران قاجار بنیان گذاشته شده و کمی بیش از دو قرن قدمت دارد. نام شهر که ابتدا قلعه‌ای نظامی بوده قلعه‌ی سلطان‌آباد، بعد سلطان‌آباد و شهرستان عراق و در سال ۱۳۱۶ شمسی به اراک تبدیل شد. قالی‌بافی در این منطقه از دیرباز رایج بوده است (وکیلی تبریزی، ۱۲۹۱: ۴۷).

اما در سال‌های نخست سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار، تاریخ جدیدی در صنعت قالی‌بافی ایران گشوده می‌شود. گسترش قالی‌بافی پس از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و پس از بیماری کرم ابریشم و بحران تولید پنبه و غائله‌ی جنگ تریاک روی می‌دهد. به‌واقع تولید فرش آخرین دستاویز قاجار برای ثبات است (آذرپاد، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

با این رویداد تجار و بازرگانان تبریزی صنعت جدید قالی‌بافی ایران را پایه‌گذاری می‌کنند و احیای نوین قالی‌بافی در ۱۸۸۵م. آغاز می‌شود (ادواردز، ۱۳۶۸: ۷۰). واقعه‌ای که تأثیر به سزایی در تحول اوضاع اقتصادی دولت و جلوگیری از سقوط سلسله‌ی قاجار دارد. وام‌ها و قروض بی‌شمار ناصرالدین‌شاه و اعقاب وی، برای مسافرت‌های خارجی از دولت‌هایی چون روسیه و انگلیس، اوضاع اقتصادی دولت را با بحران مواجه می‌کند. با آغاز صدور اولین محموله‌های فرش از تبریز و سپس همدان و کرمان، درآمد چشمگیر و قابل توجه عوارض و مالیات قالی، ارزش حیاتی قالی ایران، به ویژه صادرات آن را برای شاه و دولت روشن می‌کند و صدور قوانین و دستورالعمل‌ها در جهت بقای فرش و درآمد آن آغاز می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۸).

اما همزمان با رونق صادرات فرش و با توجه به اقتصاد بیمار و ضعف قدرت سیاسی و حکومتی قاجار، شرکت‌های چندملیتی فرش از طریق رشوه‌های گزاف به مقامات حکومتی و بعد از آن بهره‌کشی از رعایا و روستاییان مثل علف هرز در بطن روستاها و شهرهای ایران می‌رویند (سیف، ۱۳۷۳: ۱۰ و ۱۱).

در واقع شرکت‌های چندملیتی شرکت‌هایی هستند که در نقاطی از جهان که امکان سودآوری بیشتر، نیروی کار ارزان و نبودن محدودیت‌های سیاسی باشد، بعد از بررسی ابعادی همچون صنایع بومی این کشورها اقدام به تأسیس و راه‌اندازی کارخانه‌ها و مراکز تولیدی خود می‌کنند. نیروی کار بومی را به خدمت می‌گیرند و کالاهای بومی را با قیمت ارزان‌تر تولید می‌کنند و در بازارهای دنیا به فروش می‌رسانند (Davis, 1967, 54). فعالیت شرکت‌های چندملیتی ساختارهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه را تغییراتی می‌دهد. از جمله‌ی این تغییرات وابسته کردن

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

شرکت‌های بومی به سرمایه‌های خارجی است این شرکت‌های فراملیتی هر جا که تولید ارزان و کارایی بیشتر باشد به سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند. بدیهی است، شرکت‌های چندملیتی کسب حداکثر سود برای شرکت مادر را در اولویت اهداف خود قرار می‌دهند و سودآوری شرکت‌های تابعه می‌تواند در مرحله‌ی بعدی واقع شود (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۰). در این زمان باید به میزان غفلت و عدم آگاهی دولت مرکزی و ناتوانی حکومت وقت در استفاده از امکانات و ثروت‌های ملی اشاره کنیم که چگونه باعث شد در اندک زمانی شرکت‌های چندملیتی بی‌شماری راساً برای تأمین نیازهای خود به تولید فرش و قالی بپردازند (حشمتی‌رضوی، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

از جمله مهم‌ترین این شرکت‌های چندملیتی، شرکت انگلیسی- سوئیسی زیگلر است که به گفته‌ی سیسیل ادواردز، این امر به دنبال آن صورت گرفت که یکی از کارمندان شرکت زیگلر پیشنهاد کرد که به جای تبدیل پول‌های به‌دست آمده از تجارت خود در ایران به امپریال طلای روسی، وجوه آن را صرف خرید قالی کنند تا در مبادلات تجاری خود سود بیشتری به دست آورند (ادواردز، ۱۳۶۸: ۵۶). بدین ترتیب شرکت زیگلر با بررسی مناطق مختلف ایران با توجه به شرایط خوب جغرافیایی منطقه سلطان‌آباد و قرار گرفتن آن بر سر راه‌های ارتباطی و بازرگانی کشور و وجود نیروی کار ارزان و قالی‌هایی که صادرات موفقی داشت، شرایط مناسبی را برای استقرار کارگاه‌های قالی‌بافی خود در این منطقه یافت و در ابتدای امر شرکت انگلیسی- سوئیسی زیگلر به سال ۱۸۷۸میلادی در تبریز و سپس در سال ۱۸۸۳میلادی کارگاه‌های متمرکز قالی‌بافی خود را در سلطان‌آباد تأسیس کرد (پرهام، ۱۳۷۱: ۲۹).

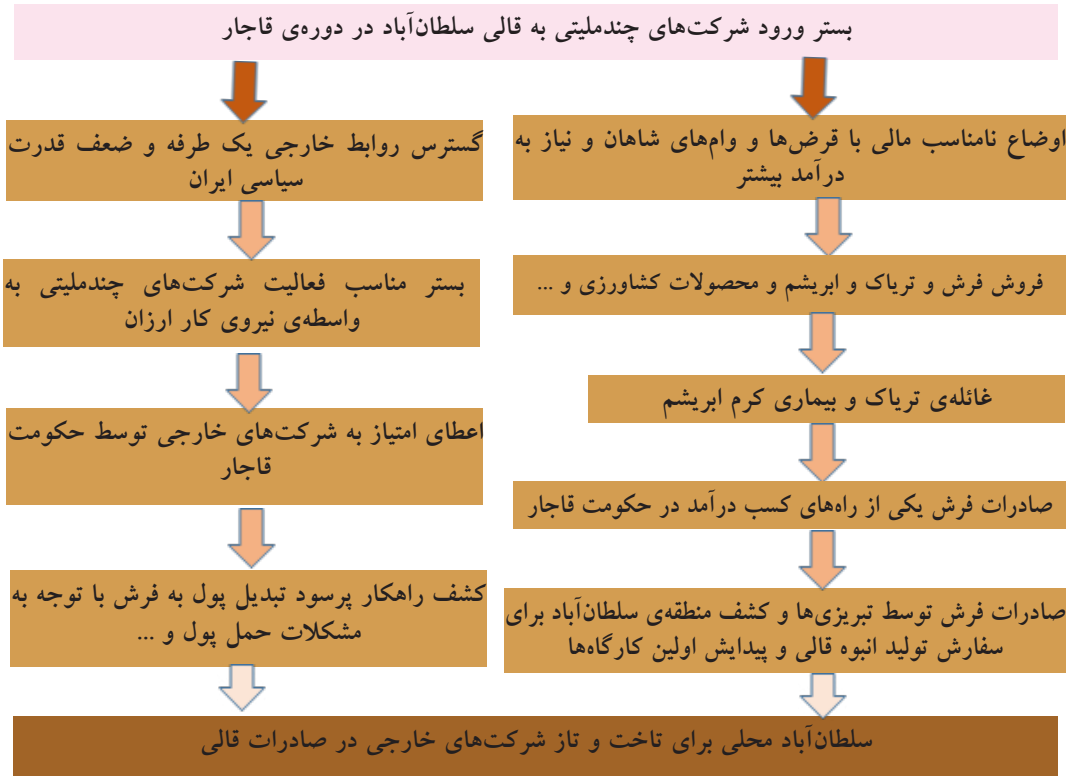

نمودار شماره ۱- تحلیل بستر ورود شرکت زیگلر به قالی سلطان اباد (نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

شرکت فرش زیگلر در حدود ۵۰ سال به تولید و تجارت فرش در منطقه‌ی سلطان‌آباد پرداخت و براساس اطلاعات موجود در اواخر قرن نوزدهم، این شرکت در حدود ۲۵۰۰ دارقالی‌بافی در بیش از صد روستای اطراف منطقه‌ی سلطان‌آباد داشت. این گمان می‌رود که کمپانی زیگلر در طول نیم قرن فعالیت خود در زمینه‌ی تولید و صادرات قالی، هزاران تخته فرش ایرانی را به اروپا و آمریکا صادر کرده است. آنت اتیک در معرفی مجموعه طرح‌های قالی زیگلر به این نکته اشاره می‌کند که واژه‌ی زیگلر در تجارت امروز برندی بر کیفیت و ساختار بافت است (Ittig, 1991, 17).

البته ناگفته پیداست که هنر- صنعت فرش ایران در کنار کسب تجربه‌های جدید و افزایش میزان صادرات قالی در آن زمان، متحمل ضررهای بی‌شماری شد. آسیب‌های فراوانی متوجه بافندگان، رنگرزان و نیز تاجران شد. این شرکت‌ها با به کارگیری فنون قالی‌بافی که در ایران رایج بوده است و نیروهای قالی‌باف بومی کار خود را آغاز کردند و در شهرهایی چون تبریز، سلطان‌آباد و کرمان سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام دادند و به سبب سرمایه‌ای که در اختیار داشتند توانستند نیروهای بسیاری را به‌کار بگمارند و کارگاه‌های متمرکز و غیرمتمرکز قالی‌بافی را راه‌اندازی کنند. این شرکت‌ها که در آغاز از فناوری بومی استفاده می‌کردند پس از مسلط شدن به فنون و آموختن ویژگی‌های کار، دست به تغییرات کمی و کیفی در شیوه‌های تولید فرش زدند. در مجموع منتقدین شرکت‌های چندملیتی معتقدند که این شرکت‌ها تا حد زیادی به منزله‌ی ابزارهایی برای سرمایه‌داری نو و استعمار و سودجویی هستند و از کشور میزبان منافعی به مراتب بیشتر از آن‌چه به آن‌ها می‌دهند، خارج می‌سازند (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۲).

سلطان‌آباد؛ شهر یا روستا

در تاریخ شکل‌گیری سلطان‌آباد آمده است که با روی کار آمدن فتحعلی شاه قاجار، منطقه‌ی عراق عجم (اراک کنونی) شاهد اغتشاش و ناامنی بسیاری شد. درهمین زمان یوسف‌خان گرجی فرمانده سپاه پیاده نظام ارتش قاجاریه، به سمت سپهداری قشون عراق عجم منصوب و به منظور برگرداندن آرامش عازم این منطقه شد (جودکی، ۱۳۷۴: ۲۱۳).

با موافقت فتحعلی شاه، یوسف‌خان، قلعه‌ای که مرکز تجمع مخالفان قاجاریه و مأمن اشرار و راهزنان بود، ویران کرد و طرح ایجاد شهری جدید را پی‌ریزی نمود (تبریزی، ۱۳۴۵: ۳۹۲). برای آن که در مقابل تاخت و تاز بختیاری‌ها امنیت بیشتری داشته باشد این شهر را در محاصره‌ی دیوارهای بلند بنا کرد و آن را سلطان‌آباد نامید؛ به آن شهرنو هم گویند (دوبد،۱۳۸۴: ۴۴۳). بنابراین به نظر می‌رسد، بعد از قرن‌ها، نخستین اقدامات برای شکل‌گیری اراک به دست یوسف‌خان گرجی آغاز شده بود. وی قلعه‌هایی هشت‌گانه که هرکدام مربوط به مردم یک ده بودند را به یک قلعه -که همان قلعه‌ی تازه تأسیس سلطان آباد است- کوچ می‌دهد. او بدین منظور، قلعه‌های هشت‌گانه را به کلی ویران می‌کند تا اهالی آن به ناچار مجبور به کوچ به قلعه‌ی جدید سلطان‌آباد شوند (سیف، ۱۳۷۳: ۲۰). البته دهگان می‌نویسد که این شهر تا سال ۱۲۷۱ه.ق محل سکونت سپهدار قشون عراق بوده و نظری که دولت به آن‌جا داشت، همان اهمیت سوق‌الجیشی آن بود. در این سال میرزاحسن‌خان نایب‌الحکومه عراق دکاکین شهر سلطان‌آباد و باغ‌ها و عمارات دیوانی را مرمت کرد و از بلاد دیگر از هر قبیل ارباب صنایع را به شهر آورده و سکنی داد (دهگان، ۱۳۸۶: ۲۱۵).

تاریخ پیدایش این شهر چنین حکایت می‌کند که درست است که نام سلطان‌آباد به شهری اطلاق می‌شده که در دوران قاجار ساخته شده است، اما حقیقت آن است که این شهر به لحاظ سبک زندگی و فرهنگ مردمان خود یک شهر محسوب نشده و مملو از روستاییانی است که به اجبار حاکم و با تخریب روستاهایشان به این فضای بسته‌ی قلعه‌مانند کوچانده شده و از یک جامعه‌ی همگن نبوده و با فرهنگ‌های مختلف از چندین روستای متفاوت تشکیل شده‌اند.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

رونق قالی‌بافی، رشد شهر سلطان‌آباد و ایجاد اختلاف طبقاتی

به تدریج به خاطر حسن موقعیت جغرافیایی سلطان‌آباد و اهمیت ارتباطی و نزدیکی آن به شاه‌راه‌های تجارتی و مجاورت با مناطق و شهرهای مهمی چـون قم، کاشان، اصفهان و بروجرد این شهر مورد توجه تجار داخلی و خارجی قرار گرفت، ابتدا تعدادی از تجار تبریزی، سلطان‌آباد را محل مناسبی برای سرمایه گذاری یافتند و در زمینه‌ی تجاری کردن تولید قالی در این شهر اقدام کردند. بـه طوری که بیشتر دارهای قالی که در سلطان‌آباد وجود داشته، اکثراً با مدیریت و سرمایه‌ی تجار تبریزی برپا بوده است (ریشار، ۱۳۸۲: ۱۱۲). در پی موفقیت تجار تبریزی، کمپانی زیگلر در سال ۱۲۶۱ش دفتر خود را در شهر سلطان‌آباد ایجاد کرد (دهگان، ۱۳۶۵: ۱۹۰).

رونق اقتصادی و رشد شهرنشینی به تحولات فضایی شهر، ابعادی جدید بخشیده و موجب شد تا توسعه‌ی جدید شهر در هماهنگی با توپوگرافی محیط و شرایط اجتماعی- اقتصادی ساکنان به شکلی نامتجانس صورت گیرد و محلـه‌های فقیرنشین و اعیانی متمایز از یکدیگر پدید آید. محله‌ی عباس‌آباد با برخورداری از شرایط آب و هوایی بهتر بـه عنـوان یـک محله‌ی اعیانی، مورد توجـه تجار، ثروتمندان، کارگزاران بلندپایه‌ی حکومتی، کمپانی‌ها و خارجیان مقیم سلطان‌آباد واقع شد و به صورت قطاعی، رشدی استثنایی کرد. درمقابل محله‌های دیگری مورد توجه طبقات متوسط و کم‌درآمد شهر و مهاجرین روستایی قرار گرفت و بدین‌سان اکولـوژی اجتمـاعی شـهر، بـا سـاخت و سیمایی متمایز از دوره‌ی اول مرحله‌ی هجوم را پشت سر گذارد (فرمهینی، ۱۳۹۵: ۳۹). بنابراین رونق قالی‌بافی به جای کم کردن فاصله‌ی طبقاتی بین تجار و قالی‌بافان، فاصله‌ی طبقاتی بیشتر ایشان و ثروت‌مندتر شدن تجار قالی و فقیرتر شدن قالی‌بافان را در پی داشت تا جایی که محله‌های شهری مختص به تجار و ثروتمندان و محله‌های فقیرنشین قالی‌بافان و دیگر کارگران شکل گرفت.

تأثیرات جامعه‌ی سلطان‌آباد بر جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان قالی باف

آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی خود "جایگاه اجتماعی- اقتصادی" را جایی می‌داند که هرکس در ساحت اجتماعی- اقتصادی اشغال می‌کند و نیز وضع یا اعتباری می‌داند که معاصران فرد به او به طور عینی در بطن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند تفویض می‌دارند (بیرو،۱۳۸۰: ۷۶). به اعتقاد برخی از اندیشمندان، متغیرهای جایگاه اجتماعی- اقتصادی عبارتند از: سطح درآمد، آموزش، طبقه‌ی اجتماعی خودخواسته یا دیگرخواسته، وجهه شغلی، مالکیت خانه و اموال (ردی، ۱۹۷۳: ۷۳).

اما طبق این تعریف در مورد جایگاه فعالیت اقتصادی زنان باید گفت زنان به واسطه‌ی نقشی که به عنوان مادر و مراقبت‌کننده دارند اساساً در فعالیت‌های خانگی جذب می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۸۷). در واقع زنان به سبب ضرورت نقش مادری و پرستاری کودکان از فعالیت‌های عمومی‌تری که مردان می‌توانند آزادانه به آن‌ها بپردازند کنار گذاشته شده و در این فرآیند حاشیه‌نشینی به عنوان جنس دوم در نظر گرفته می‌شوند (Beauvoir, 1972, 31).

در مورد جایگاه اقتصادی زنان قالی‌باف سلطان‌آباد می‌توان گفت این زنان در زمینه‌ی قالی‌بافی که می‌تواند در کنار دیگر کارها درخانه انجام شود وارد فعالیت اقتصادی می‌شوند. چنان‌که فوریه در سفرنامه‌ی خود، درباره‌ی نقش و حضور مؤثر زنان در این فعالیت اقتصادی چنین می‌نویسدکه شهر سلطان‌آباد اهمیتی جز مرکزیت تجارت قالی ندارد. در هر خانه، کارگاهی برای بافت قالی برپاست و زن‌ها در عین این که به کارهای خانه‌داری خود می‌رسند، به قالی‌بافی نیز مشغول هستند (فوریه، ۱۲۱۱: ۳۶۶).

در زمینه‌ی تاریخچه‌ی کار خانگی بایدگفت، فعالیت‌های تولیدی و فعالیت‌های خانگی از یکدیگر جدا نبوده و

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

تولید یا در خانه یا در نزدیکی آن انجام می‌شد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۸۸). البته کار زنان را نباید با اشتغال زنان یکی دانست در واقع کار زن در تمامی تاریخ وجود داشته است، در حالی که اشتغال زنان پدیده‌ای جدید در دوره‌ی معاصر است. کار خانگی زن دست‌مزد مشخصی ندارد، در حالی که اشتغال زنان با انتظام زمانی و دست‌مزد مشخصی همراه است (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۷۴).

درواقع زنان روستایی گذشته از نقش خانه‌داری و نقش تعیین‌کننده‌ای که همزمان با کمک در فعالیت‌های اقتصادی خانواده ایفا می‌کنند، نیروهای نامرئی هستند که معمولاً نه تنها حقوق و دستمزد دریافت نمی‌کنند، بلکه فعالیت اقتصادی آنان به رسمیت شناخته نمی‌شود و یا اصلاً به حساب نمی‌آید. این وضعیت در جوامع مبتنی بر دامداری، زراعت و باغداری به شدت با سطح توسعه‌ی جامعه ارتباط دارد (میرلطفی، ۱۳۹۲: ۶۳). همچنین در کشورهای کمتر توسعه‌یافته زنان مجبورند کارهایی با دست‌مزد پائین را بپذیرند و عدم تحرک به و اعتراض برای دست‌مزد بیشتر بر موقعیت زنان تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل آنان در فعالیت‌های کم درآمد و بی‌ثبات به کار گمارده می‌شوند (روشن‌نیا،۱۳۹۴: ۱۹). اما زنان قالی‌باف سلطان‌آباد هم از این قائده مستثنی نبوده و همچون دیگر زنان روستایی وظیفه بافت قالی را به عهده داشته‌اند بدون آن که حق اظهارنظر در مورد فروش و یا ارزش‌گذاری قالی خود را داشته باشند. در واقع در گذشته قالی‌بافی به عنوان یک شغل پنهان که به رسمیت شناخته نمی‌شد در کنار دیگر وظایف خانه‌داری، از جمله وظایف زنان روستائی تعریف شده بود که دست‌مزد بسیار ناچیزی داشت.

ارزانی نیروی انسانیِ تولید فرش یکی از مهم‌ترین مزیت‌های فرش دست‌باف در دوره‌ی قاجاریـه بود. زنان و کودکان از کارگران اصلی فرش‌بافی محسوب می‌شدند و چون نیروی اصلی کار در جامعه، مردان به حساب می‌آمدند توقع کمتری در پرداخت دسـت‌مزدها داشتند. به طوری که کل دست‌مزد ماهانه یک بافنده با هزینه‌ی ناهار او برابری می‌کرد (عیسوی، ،۱۳۶۹: ۴۶۹).

همچنین رونق قالی‌بافی در سلطان‌آباد بر موقعیت زنان و دختران قالی‌باف در خانواده تأثیر نهاد و توانست ارزش‌های فردی بین زنان و مردان را در این‌گونه مناطق دگرگون کند. زنان و دختران که از ساختار فیزیکی یارای پنجه افکندن در پنجه طبیعت را نداشتند با نقش اندکی که در زندگی روزمره ایفا می‌کردند، از مرتبه‌ی اجتماعی نازلی برخوردار بودند و دخترانی که در این مناطق در مقایسه با فرزندان پسر، از اهمیت کمتری بهره‌مند بودند، مجال آن را یافتند تا عرض وجودی کرده و در تأمین درآمدخانه، نقش عمده‌ای را ایفا نمایند. دیگر ارج و قرب دختران و پسران نه متکی در نیروی بازو بلکه بر هنرمندی دستان آن‌ها در پشت دستگاه قالی‌بافی نهفته بود، بنابراین خانواده‌ها به داشتن دخترانی هنرمند که منشأ درآمد مناسبی برای خود هستند فخر و مباهات می‌ورزیدند تا آن‌جا که حتی از فرستادن آن‌ها به خانه‌ی بخت ناخرسند بودند. برعکس والدین ذکور بر ازدواج زودتر فرزندشان تأکید داشتند تا از این رهگذر دستی دیگر بر دستان روزی‌آفرین خانواده بیافزایند (ارجلو، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

از طرفی گذشته از جایگاه اقتصادی نامناسب زنان قالی‌باف سلطان‌آباد، به لحاظ نظام طبقاتی این جامعه نیز می‌وان چنین متصور شد که ساختار اجتماعی این شهر به ویژه در سال‌های بدو تأسیس، روستایی بوده است، به دیگر تعبیر با آن که سلطان‌آباد نام یک شهر قاجاری است اما جامعه‌ای که در آن قالی سلطان‌آباد شکل می‌گیرد، مربوط به قبل از پیداش این شهر و برگرفته از یک جامعه روستایی است که از پشم‌چینی تا ریسندگی و رنگرزی و چله‌کشی و ساخت ابزار و بافت آن حاصل زحمت و هنرنمایی جامعه‌ی روستایی است که همچون نظام طبقاتی حاکم بر روستا دارای نظام ارباب- رعیتی بوده و در قالی‌بافی چندان تأثیری نداشته است چنان که گاهی زن ارباب نیز برای سرگرمی و هنرنمایی قالی می‌بافته است و کسرشأن و پرداختن به یک شغل کارگری از طبقه‌ی رعیت محسوب

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

نمی‌شده است، بنابراین قبل از فعالیت شرکت زیگلر، جامعه‌ی درگیر در زنجیره‌ی تولید یک قالی، تقریباً همه‌ی عوامل تولید در یک سطح طبقاتی بوده و فرش یک کالای لوکس برای خرید و فروش و صادرات و به سفارش تجار از یک طبقه‌ی مرفه نبوده و استثمار قالی‌بافان جایگاهی در بستر شکل‌گیری قالی روستایی نداشته است. اما با روی کار آمدن شرکت زیگلر و رونق اقتصادی این شهر، ساختار طبقاتی آن به سرعت شکل گرفت.

بنابر منابع تاریخی شکل‌بندی اجتماعی شهر جدید سلطان‌آبـاد از یک‌سو تحت تأثیر روابط ارباب- رعیتی حاکم بر زندگی ساکنان هشت قلعه‌ی مورد بحث بوده است و از سوی دیگر متأثر از تفاوت های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی گروه‌های مهاجر به این شـهر. بـه این لحاظ شهری ایجاد شده که زمین‌داران بزرگ و تجار؛ کسبه و صنعت‌گران؛ کارگران و زارعین، سه طبقه‌ی عمده در نظام اجتماعی- اقتصادی آن بوده‌اند و جدایی‌گزینی طبقات اجتماعی به نحو بارزی در آن وجود داشته است (وکیلی طباطبایی، ۱۳۴۵: ۳۹۲).

کمپانی‌های خارجی در خود شهر، اداره تأسیس کرده و تهیه‌ی خامه و نقشه نیز در محل خود تجارت‌خانه انجام می شد و به وسیله‌ی یک نفر عامل در میان دهات یا دهاقین رابطه پیدا کرده و به آن‌ها قالی برای بافتن می‌دادند. این شکل قالی‌بافی که تا به امروز هم متداول است احتمالاً صورت خوشی پیدا نمی‌کرد، چراکه اهالی فقیر و گرسنه‌ی دهستان‌ها به وسیله‌ی عامل که خود یکی از قلندرهای مزدور بود قالی برای بافتن برداشته پولی می‌گرفتند که در مدت معینی مثلاً شش ماه با فلان وصف به اندازه‌ی معینی در تجارت‌خانه‌ها تحویل بدهند ولی چون طبقه قالی‌باف اکثراً از مردمان فقیر و واقعاً بیچاره بودند نمی‌توانستند قالی خود را با اوصاف معینی در وقت مقرر تحویل دهند و از طرف تجارت‌خانه مربوطه صورتی به عنوان جبران خسارت فرش گرفته با چیزی کم یا زیاد بر وی تحمیل می‌کردند. باز چون بافنده فرش از اداره مابه‌الخسارت عاجز بود در مقابل فرش دیگر تعهد می‌نمود تا دفعه‌ی دوم و سوم از طرف کمپانی مربوطه به وسیله‌ی کارگذاری حاکم وقت او را زندانی نموده و اموال او را که در حقیقت دست‌افزار کار یا اثاثیه‌ی خانه‌اش محسوب می‌شد در وسط شهر به صورت حراج می‌فروختند (ارجلو، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

بدین ترتیب با توسعه‌ی صادرات قالی سلطان‌آباد و فعالیت زیگلر از طریق عمال و تجار محلی، اولین جرقه‌های بروز اختلاف طبقاتی در جامعه‌ی زنجیره‌ی تولید قالی ایجاد شده، آن‌ها این هنرمندان بومی را به عنوان طبقه‌ی زیردست به عنوان قالی‌باف به خدمت می‌گرفتند و جامعه‌ی بی‌دفاع این قالی‌بافان را زنان تشکیل می‌دادند.

آن‌چه جای تأمل است این است که علاوه بر استثمار زیگلر که شرکتی خارجی بود، سودجویی و طمع نابخشودنی بازرگانان ایرانی اما غیر بومی این شهر است که از همان ابتدا با سود فراوانی که از تجارت قالی کسب و دست‌مزد بافت را بسیار ناچیز پرداخت می‌کردند در واقع راه را برای استثمار زنان قالی‌باف این منطقه توسط سرمایه‌گذارن خارجی در آینده‌ی نزدیک هموار نمودند. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل سقوط قالی‌بافی به یک شغل پست و از روی فقر و نشانه‌ی طبقه‌ی اجتماعی فرودست همین موضوع تعیین دست‌مزد حداقلی قالی‌بافی باشد. موضوعی که هنوز هم ادامه دارد و موجب شکاف طبقاتی و مالی بسیار فراوان تاجران قالی با بافندگان و رنگرزان و چله‌کشان و طراحان و ... شده و بیشتر به برده‌داری می‌ماند تا راه‌اندازی یک کسب و کار و اشتغال‌زایی، بدین ترتیب زنان قالی‌باف نه به حقوق مادی و نه به حقوق معنوی خود در جامعه دست نیافتند.

نگارندگان دلایل آن را چنین استنباط می‌کنند:

۱- قالی‌بافی کار زنان بود و زنان در خانواده و جامعه حقوق و جایگاهی به قدرتمندی مردان نداشتند و به دست‌مزد ناچیز خویش، قانع بوده و حتی در صورت اعتراض توان و حق اعتراضی نداشتند.

۲- قالی‌بافی در ابتدا در ذهن ایشان بیشتر تلاشی برای رفع نیاز خانواده به کف‌پوش و به نوعی یک سرگرمی به

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

حساب می‌آمد و شغل و منبع درآمد اصلی خانوار محسوب نمی‌شد در نتیجه نیازی به جنگ بر سر دست‌مزد بیشتر از تاجران فرش احساس نمی‌شد.

۳- روستاییان با توجه به این‌که اکثر تاجران غیربومی بودند از قیمت‌هایی که این قالی‌ها در خارج از ایران به فروش می‌رسید مطلع نبوده و از سود فراوان این تاجران و حق‌کشی آنان در پرداخت دست‌مزدشان آگاه نبودند و چون ساده‌زیست و اکثراً بی‌سواد بودند در بی‌خبری از ستمی که به آنان روا می‌شد به دست‌مزد اندک قانع بودند و حتی در ابتدا از این شغل استقبال کردند.

۴- روستابیانی که حاضر بودند برای دست‌مزد اندک قالی ببافند از طبقه‌ی پایین جامعه و قشر فقیر و رعیت محسوب شده و اعتماد به نفس سرکشی و اعتراض به دست‌مزد اندک را نداشتند.

۵- در جامعه‌ی روستایی مردان و فرزندان ذکور نیروی کار ارزشمندتر و نان‌آور محسوب شده و زنان بیشتر از نان‌آوری، نانخور محسوب شده و حالا که فرصتی فراهم شده بود تا زنان در کنار کارهای خانه، حداقل درآمدی کسب کنند کفایت می‌کرد و همین درامد کم، یک موفقیت اقتصادی محسوب می‌شد.

این استنباط مبنی بر نادیده گرفتن تلاش و زحمات بازرگانان و تجار داخلی و خارجی و شرکت زیگلر در رونق اقتصادی سلطان‌آباد و نفی اتصال اقتصاد این منطقه به بازارهای جهانی و برند ساختن قالی این منطقه و دیگر مزایای فعالیت آنان نیست اما آن‌چه مسلم است این است که سهم تلاش و زحمات قالی‌بافان و رنگرزان و چله‌کشان و ... از این رونق پرسود پرداخته نشده و طبقه‌ی اجتماعی ایشان بسیار حقیر شمرده شده و موجب افت جایگاه اقتصادی- اجتماعی قالی‌بافی تا به امروز شده است.

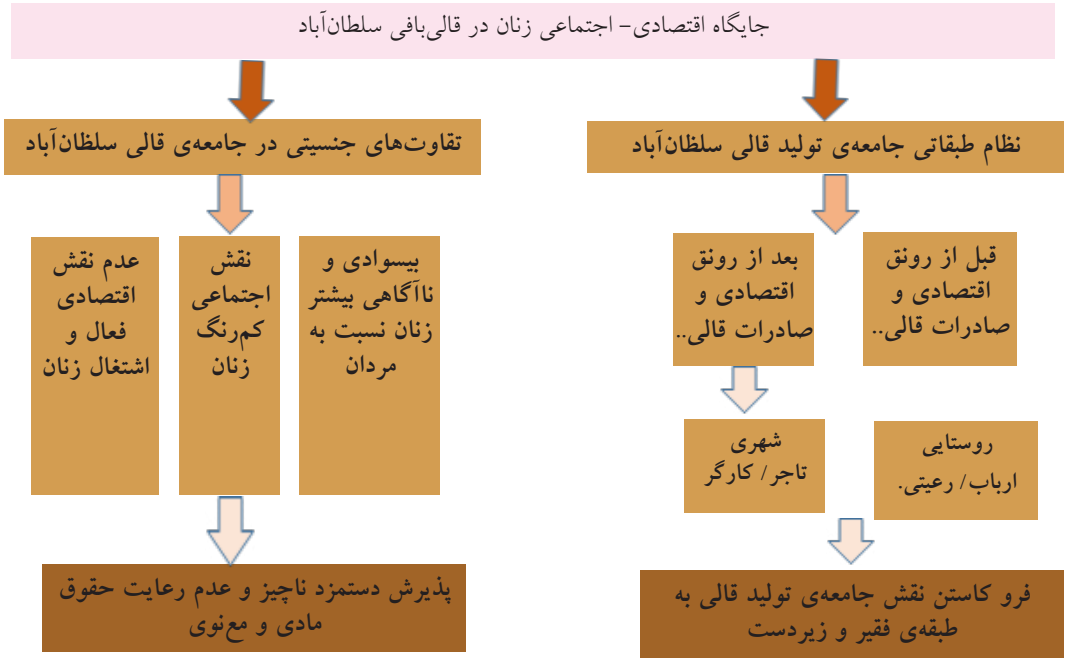

نمودار ۲- تحلیل شکل‌گیری نقش اقتصادی- اجتماعی زنان قالی‌باف سلطان‌آباد (نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

تحول شأن اجتماعی زنان قالی‌باف سلطان‌آباد

انسان در پروسه‌ی تولید فرش از پشم‌چینی تا ریسندگی و رنگرزی و طراحی و بافت و پرداخت و فروش و تجارت و ... نقش مهمی دارد. این که این انسان زن باشد یا مرد، دختری باشد جوان که برای جهاز خود می‌بافد یا پیرزنی که از روی فقر قالی می‌بافد، هرکدام بر نقش انسانی آن فرد در نتیجه‌ی نهایی تولید فرش اثرگذار است.

در روند تولید فرش فشارهای بسیاری بر قشر بافنده بوده و هست. ویژگی عمده‌ی قالی‌بافی در دوران قاجاریان وجود انبوه کودکان و زنان در کار قالی‌بافی است، همچنین به گزارش یک طبیب انگلیسی در سال ۱۹۲۱م. نزدیک به ۶۰ درصد زنان بافنده، نوزادشان مرده به دنیا می‌آمد. این مادرها به دلیل عوارض ناشی از شدت کار، ضعیف شده و اگر بیمارستانی نمی‌بود آن‌ها هم می‌مردند. همچنین کودکان کم‌سن در ازای مبلغی به عنوان مزد سالانه از پدر و مادرشان خریداری می‌شدند و به کار قالی‌بافی می‌پرداختند. در چنین شرایط نامطلوبی بافندگان ناچار به کار سنگین و دست‌مزدی اندک در کارگاه‌هایی با شرایط نامطلوب بودند. شرکت زیگلر در چنین شرایطی تولیدات خود را به مقدار زیاد روانه‌ی بازارهای غربی کرد (حشمتی‌رضوی، ۱۳۸۹: ۲۴۹).

باید اشاره داشته باشیم که طی سال‌های طولانی و متمادی، قالی‌بافی در ایران یکی از عقب‌مانده‌ترین و منفورترین حرفه‌های سنتی بوده است تا بدان‌جا که دختر قالی‌باف نوعی ناسزا تلقی می‌شد و کارگران قالی‌باف و حرفه‌های وابسته آن جزو طبقات بی‌فرهنگ و حقیر به حساب می‌آمدند. اگر به یاد بیاوریم که این حرفه تا چه حد با زندگی مردم روستایی و نیمه شهری آمیخته بوده است هیچ دلیلی جز تجارت استثماری که بعدها نیز به شکلی به دست برخی تولیدکنندگان داخلی ادامه یافت برای انزجار و فراری که در دختران قالی‌باف نسبت به قالی‌بافی نمی‌بینیم. این که چرا این حرفه‌ی زیبا و چشم‌نواز و اقتصادی، علی‌رغم سود دائماً فزاینده و تصاعدی آن برای تولیدکنندگان و تجار، برای بافندگان تا این حد رنج‌آور و تحقیرآمیز بوده است، بسیار جای شگفتی است. بدیهی است که با آن که قالی‌بافی مطلقاً حرفه‌ای رنج‌آور و انفعالی نیست ولی شرایط تولید آن به خصوص در زمان‌های مورد بحث با توجه به عدم وجود هر نوع شرایط ایمنی و بهداشتی و رفاهی به گونه‌ای رنج‌آور و غیرانسانی بوده است (ارجلو، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

علاوه بر تمام این مسائل، همزمان با فعالیت و گسترش کارگاه‌های قالی‌بافی زیگلر در سلطان‌آباد، سبک بافت قالی‌های این منطقه و شیوه‌ی تولید آن هم تغییر یافت و این تغییرات به لحاظ روحی بر زنان قالی‌باف و ارتباطی که با قالی خود برقرار می‌کردند تأثیر فراوان نهاد. در واقع در سبک‌شناسی فرش یک نوع طبقه‌بندی برمبنای جامعه بافت وجود دارد: ۱- شهری ۲- روستایی ۳- عشایری، که هریک ویژگی‌های مختص به خود را دارند و فرش سلطان‌آباد را قبل از فعالیت زیگلر می‌توان در زمره‌ی فرش‌های روستایی دانست. چراکه سلطان‌آباد در قالب یک شهر بوده اما ساکنان آن روستاییانی بودند که برای نیاز خود و خانه خود قالی می‌بافتند و در قید و بند نظم و چارچوب خاص سفارشی نبوده‌اند و قالی ایشان بدون نقشه‌ی از پیش تعیین شده با سبک نیمه‌گردان و بدون رعایت نظم و تقارن محض، رقم می‌خورده است و زن روستایی خود طراح و رنگ‌پرداز قالی خویش بوده و علی‌رغم وجود دستور یا الگوی بافت و به ندرت نقشه‌ی کاغذی، وی خود را ملزم به رعایت بی‌چون و چرای آن‌چه نقشه حکم می‌کند نمی‌دانسته و خود اختیار اندازه و رنگ و نقوش و ... را در قالی خویش داشته و قالی سلطان‌آباد جولانگاه این آزادی طبع یک زن روستایی است و وجود احساس و اندیشه و علاقه زنان در پس این قالی‌ها، موجب تأثیرات مطلوب روحی و روانی زنان قالی‌باف بوده است.

اما با ورود زیگلر به این منطقه و تأسیس کارگاه‌های بزرگ برای تولید انبوه قالی و سفارش‌پذیری در امر صادرات آن، نیاز به بافت همزمان چندین نقشه طبق سلیقه‌ی مشتریان به وجود آمد و طراحی و رنگ‌پردازی و

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

نقشه‌کشی به طراحان سپرده شد و زنان قالی‌باف موظف به بافت قالی طبق این نقشه‌ها بی‌هیچ کم و کاستی شدند. شرکت‌های خارجی علاوه بر سرمایه‌گذاری برای تولید، مدیریت تولید را نیز در کنترل خود درآوردند. شرکت زیگلر با جلوگیری از اعمال سلیقه‌ی بافنده در کارها که در عقد قرارداد با بافنده روی آن تأکید داشت جنبه‌های مختلف تولید فرش و طرح و رنگ آن‌ها را کنترل می‌کرد (سیف، ۱۳۷۳: ۹۳).

بدین ترتیب اختیار طرح و رنگ و نقشه‌ی قالی از زنان قالی‌باف سلب می‌شد. در واقع زیگلر آنان را در کارگاه‌های خود به کارگری می‌گمارد و شیوه‌ی تولید از خانگی و خویش‌بافی به سفارش‌بافی و قالی‌بافی با نقشه‌ی از پیش تعیین‌شده تغییر یافت و دیگر احساس و اندیشه‌ی زنان قالی‌باف مجالی برای بروز در قالی نداشت.

می‌گویند بعد از ورود زیگلر، قالی سلطان‌آباد رنگ باخت و رنگ ها همگی خاموش و آرام و بی‌فروغ شد، شاید از بی‌فروغی دختران و زنان سرکش روستایی و سلب آزادی و اختیار آن‌ها بود که چون اسیری چشم دوخته به نقشه در پای دار مجبور به هرچه سریع‌تر زدن گره‌های بیشتر در زمان کوتاه‌تر شدند و تنها ارتباط آن‌ها با دار قالی خود فقط پول بود و مزد بیشتر، نه ذوق و اشتیاقی برای استفاده از دست‌بافته‌ی خویش در خانه خود داشتند و نه این قاب فلزی دار قالی، جولانگاه رنگین ناگفته‌هایشان بود و علاوه بر مشکلات جسمی ناشی از کار پیوسته و بدون وقفه و استراحت در شرایط غیربهداشتی و غیراصولی کارگاه‌های قالی‌بافی، بر سلامت روان قالی‌بافان هم تأثیر فراوان داشت (ارجلو، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

نتیجه‌گیری

قالی‌بافی سلطان‌آباد از بطن یک جامعه‌ی روستایی رشد نموده و با سبک بی‌آلایش و آزاد روستایی خود، مجالی برای به تصویر کشیدن آزادانه‌ی ذهن و روان زنان روستایی سلطان‌آباد بوده که در ابتدا نیاز خانه‌های ایشان به زیرانداز را پاسخ می‌گفته و به قصد فروش و تجارت بافته نمی‌شده است اما به تدریج با صدور این قالی‌ها و استقبال خارجی‌ها و به شهرت رسیدن قالی سلطان‌آباد در خارج از ایران، بازرگانان داخلی و سپس شرکت‌های چندملیتی فرصتی برای فعالیت اقتصادی خود یافته و با سرمایه‌گذاری در قالی‌بافی این شهر و با احداث کارگاه‌ها و راه‌اندازی سیستم یک‌پارچه و بزرگ تولید قالی، قالی‌بافی را به یک صنعت پرسود بدل نمودند.

در جریان این رونق، برخلاف آن‌چه انتظار می‌رفت که این تجارت پرسود موجب درآمد فراوان قالی‌بافان و رشد اقتصادی و اجتماعی ایشان می‌شود به دلایل مختلفی از جمله این که تقریباً همه‌ی جمعیت این قالی‌بافان را زنانی روستایی تشکیل می‌دادند که توان و آگاهی و سواد دفاع از حقوق خویش را نداشتند و به کارگرانی بسیار ارزان بدل می‌شدند که برای دست‌مزدی اندک موظف به گره‌زدن طبق یک نقشه‌ی از پیش تعیین‌شده بر دار قالی‌هایی بودند که در محدوده‌ی زمانی مشخصی بدون وقفه و استراحت به آنان دستور داده شده است.

همچنین قالی سلطان‌آباد با فعالیت شرکت چندملیتی زیگلر با تغییر شیوه‌ی تولید از سبک روستایی به سبک شهری و از خویش‌بافی به سفارش‌بافی، آزادی و احساس زن قالی‌باف را نسبت به رنگ‌پردازی و نقش‌اندازی قالی خود نادیده گرفته و اختیار وی در خلق و آفرینش قالی خود از وی سلب شده و به فرد طراح واگذار می‌شد. بنابراین زن قالی‌باف همچون یک ماشین گره‌زن و نه یک انسان آزاد و هنرمند، وادار به قالی‌بافی می‌شد. در نتیجه، این تحولات علاوه بر تغییر نقش اقتصادی زنان از یک زن خانه‌دار به یک زن شاغل اما با دست‌مزدی ناچیز، بر سلامت روحی و جسمی ایشان تأثیر منفی گذاشته و موجب تنزل شأن اجتماعی و احساس ناخوشایند ایشان نسبت به حرفه‌ی قالی‌بافی می‌شد.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

فهرست منابع

– آذرپاد، حسن، فضل‌الله حشمتی‌رضوی، (۱۳۹۱). *فرشنامه‌ی ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
– ادواردز، سیسیل. (۱۳۶۸). *قالی ایران* (ترجمه‌ی مهین دخت صبا). تهران: انجمن دوستداران کتاب.
– ارجلو، محمدرضا. (۱۳۸۳). «خانه‌ی فرش اراک»، دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه گیلان.
– ایلخان، سحر. (۱۳۹۳). *تأثیر حضور شرکت زیگلر بر کیفیت (طرح و نقش و رنگ) قالی‌های ایران از دوره‌ی قاجار تا پایان جنگ جهانی دوم. (پایان نامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه هنر. ایران.
– بیرو، آلن. (۱۳۸۰). فرهنگ *علوم اجتماعی* (ترجمه‌ی باقر ساروخانی). تهران:کیهان.
– پرهام، سیروس. (۱۳۷۱). *دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس* (جلد ۲). تهران: انتشارات امیرکبیر.
– تبریزی، رضا. (۱۳۴۵). *تاریخ عراق*، تهران: انتشارات بهمن.
– جودکی، حجت‌الله. (۱۳۷۴). مروری بر فلسفه‌ی پیدایش و نقاط عطف تحولات شهر و شهرنشینی اراک. *فصلنامه‌ی راه دانش*، ۱.
– جیریایی، مهدی، حسین مفتخری، محمد سلیمانی مهرنجانی. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان‌آباد عراق. *پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، ۳۸، ۸۱–۹۹
– حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
– حشمتی‌رضوی، فضل‌الله.(۱۳۸۹). *تاریخ فرش (سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران)*، تهران: سمت.
– دوبد، بارون. (۱۳۸۴). *سفرنامه‌ی لرستان و خوزستان* (ترجمه‌ی محمدحسین آریا). تهران: انتشارات علمی فرهنگی
– دهگان، ابراهیم. (۱۳۶۵). *کارنامه‌ی اراک یا دو بخش از تاریخ اراک*، اراک: چاپخانه‌ی موسوی سلیمانی.
– دهگان، ابراهیم. (۱۳۸۶). *تاریخ اراک*، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
– روشن‌نیا، داود، رقیه خادمی، لیلا کردی، ژیلا صلحی‌فام اصل. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان. *ماهنامه‌ی کار و جامعه*، ۱۹، ۸۲ – ۹۸
– ریشار، یان. (۱۳۸۲). *ایران و اقتباس‌های فرهنگی شرق از مغرب زمین* (ترجمه‌ی ابوالحسن سـروقد مقدم). مشهد: آستان قدس رضوی
– ساروخانی، باقر، مریم رفعت‌پناه. (۱۳۸۳). زنان و باز تعریف هویت اجتماعی. *فصلنامه‌ی جامعه شناسی ایران*، ۱(۲)، ۱۳۳ – ۱۶۰
– سیف، احمد. (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: نشرچشمه.
– صوراسرافیل، شیرین.(۱۳۷۲). *غروب زرین فرش ساروق*. تهران: فرهنگ‌سرای میردشتی.
– عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران* (ترجمه‌ی دکتر یعقوب آژند). تهران: نشر گستره.
– فرمهینی فرهانی، محمدحسین، حسین مفتخری، محمدحسن رازنهان، محمد سلیمانی. (۱۳۹۵). تحول شهرنشینی اراک در دوره‌ی قاجار. جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم *انسانی و مطالعات* فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲ ، صفحات ۱۱۳ – ۱۴۰
– فووریه ، ژوانس. (۱۲۱۱). *سه سال در دربار ایران* (ترجمه‌ی عباس اقبال). تهران: علم.
– کاظمی، بابک. (۱۳۸۴). نقدی بر شرکت‌های چندملیتی. *نشریه‌ی اقتصاد انرژی*، ۷۹ و ۸۰، ۱۹–۲۳.
– کشاورز، حسام. (۱۳۹۰). بررسی مؤلفه‌های مدیریتی تولید فرش با سرمایه‌ی خارجی در دوره‌ی قاجار (آسیب‌شناسی موردی مؤسسه‌ی بازرگانی زیگلر و شرکا). همایش ملی هنر، فرهنگ، تاریخ و تولید فرش دست‌باف ایران و جهان،

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
– گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی* (ترجمه‌ی منوچهر صبوری). تهران: انتشارات مهاجر.
– میرلطفی، محمودرضا، میثم بندانی، سعیده شهرکی. (۱۳۹۲). بررسی نقش کار پنهان زنان در سطح رفاه خانوار روستایی (مطالعه‌ی موردی: زنان روستایی شهرستان هامون)، *مجله‌ی علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی*، ۱۰، ۶۷ – ۴۹
– وکیلی تبریزی، رضا. (۱۲۹۱). *تاریخ عراق (سلطان‌آباد عراق، اراک)*، بازخوانی محمد مددی، تهران: آیندگان.
– وکیلی طباطبایی‌تبریزی، رضا. (۱۳۴۵). *تاریخ عراق*، تهران: مجله‌ی فرهنگ ایران زمین.
- Davis, Keith. (1967). Human Relations in Business. USA, NewYork, McGrawHill, 2, 54.
- Beauvoir, Simone de. (1972). the second sex (Harmondsworth: Penguin).
- Ittig , Annette. (1991). Ziegler's Carpet Cartoons. Hali, 80, April/May 19.
- Reddy, Richard, David Smith, Horton(1973). Why do people participate involuntaryaction? Journal of Extension, vol. xi.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.5.6]